

۶- گریز از تورم بسیار شدید

آرژانتین ، برزیل و اسرائیل غاصب مدتهای طولانی، تورمی بسیار شدید و مزمن را تجربه نموده‌اند. در سال ۱۹۸۵ نرخ سالیانه تورم در فلسطین اشغالی به ۴۰۰ درصد، در آرژانتین به ۱۹۰۰ درصد و اوایل سال ۱۹۸۶ در برزیل به ۴۰۰ درصد رسید و این تهدید وجود داشت که تشدید آنها به تورمهای لجام گسیخته منتهی گردد. مابین ژوئن ۱۹۸۵ و پایان فوریه ۱۹۸۶، هر سه کشور برنامه‌های تثبیتی را که ترکیبی از اقدامات سنتی و ابتکاری بود آغاز کردند. برنامه‌ها از نظر اصول فکری نکات مشترکی داشتند و در جهت کاهش یا حذف تعدیل دستمزدها، ابزارهای مالی و نرخ ارزی با شاخص‌قیمتها، و تخفیف انتظارات در مورد تورم آینده طرح ریزی شده بودند.

هر سه کشور یک راه حل سریع را به یک برنامه تدریجی ترجیح دادند. البته برنامه‌ها از نظر میزان بکارگیری اقدامات سنتی نظیر کاهش نرخ ارز و سیاستهای محدودکننده مالی و پولی - جهت دستیابی به یک موازنه خارجی و کاهش کسری بودجه داخلی، به سطحی که موجب تأمین مالی تورم زا نشود - متفاوت بودند. هر یک از این برنامه‌ها پس از آنکه اقدامات قبلی مربوط به تثبیت تورم با شکست روبرو شد، آغاز گردیدند. هر سه کشور بطور محسوس - سی در

کاهش شدید نرخ تورم در چند ماهه اول آغاز این برنامه موفق بودند، اگرچه میزان موفقیت آنان متفاوت بوده است.

در زمان اعلام برنامه‌های تثبیتی شرایط اقتصاد کلان در این کشورها در بسیاری از موارد مهم، متفاوت بودند، اما عناصر مشترکی نیز داشتند.

در هر سه کشور در زمان اعلام برنامه‌های تثبیتی، تورم در حال افزایش بود. کسری بودجه واقعی یا کسری بودجه اجرائی بخش عمومی (که بصورت ارزش جاری کسری بودجه، منهای نرخ تورم ضربدر مجموع قروض پرداخت نشده دولت تعریف می‌شود) در آرژانتین و فلسطین اشغالی از برزیل بسیار زیادتر بوده است. رژیم اشغالگر قدس بودجه دفاعی بیش از حد معمولی داشت (میانگین آن حداقل ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۴ بوده است) که عامل ساختاری عمده‌ای در کسری بودجه عظیم این کشور محسوب می‌گردید.

در هر سه کشور، بخش عمومی با مشکل عمده‌ای در پرداخت اصل و فرع این قروض بزرگ مواجه بود. همچنین برزیل و فلسطین اشغالی در بخش عمومی دارای وام‌های داخلی بزرگی نیز بودند که پرداخت اصل و فرع آنها موجب کسری بودجه در این بخش بود.

در آرژانتین و فلسطین اشغالی تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی بعد از سال ۱۹۷۲ رکود داشت و در برزیل رشد آن بعد از سال ۱۹۷۳ با کندی همراه گشت، اما هنوز افزایشی را در تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی نشان می‌داد. برزیل و فلسطین اشغالی از رشد سریعی در صادرات کالاهای ساخته شده برخوردار بودند که

به تعدیل شوکهای خارجی کمک می‌کرد. آرژانتین، به دلیل دارا بودن یک اقتصاد صنعتی فاقد قدرت رقابت و سیاستهایی که مانع رشد صادرات می‌شدند، از این نظر ناتوان بود. موهبت کشاورزی غنی آرژانتین به دلیل وجود بازارهای تحت حمایت و سقوط قیمت کالاها نتوانست در حد انتظار در فرآیند تعدیلات مؤثر افتد.

از سال ۱۹۸۳، یعنی اولین سال اجرای برنامه سه ساله پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول برای مهار تورم در برزیل که با کاهش شدید نرخ ارزش پول برزیل، منجر به کاهش واقعی ارزش پول بسه می‌گردد ۳۰ درصد در مقابل دلار در برزیل موفق شد تا بطور متوسط مازاد تجاری‌اشی بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی کسب نماید (برنامه سه ساله مذکور در سال ۱۹۸۴ متوقف شد). برخلاف برزیل، آرژانتین و فلسطین اشغالی در زمان اجرای برنامه‌های تثبیتی خود دچار عدم تعادلهای شدیدی در ترازپرداختهایشان بودند و در آن زمان وام‌ها و اعتبارات خارجی قابل ملاحظه‌ای دریافت نمودند. فرار سرمایه با دیگر مسائل آرژانتین همراه بود در حالی که این مسئله در فلسطین اشغالی کمتر اهمیت داشت و اهمیتش در برزیل به مراتب کمتر بود.

در زمان اجرای برنامه تثبیتی در هر سه کشور، پول‌های ملی این کشورها تا حدود زیادی نقش حفظ ارزش و واحد حساب را به دلیل وجود واحدهای مختلف وابسته به شاخص قیمت‌ها، نظیر اوراق قرضه ملی در برزیل (که ارزش آن با شاخص قیمت‌ها تعدیل می‌شد) و حسابهای بانکی دلاری در فلسطین اشغالی (PATAM) که بطور فزاینده‌ای این وظایف را انجام می‌دادند، از دست دادند.

آرژانتین و فلسطین اشغالی دلار آمریکا سریعاً " واحد پرداختی است
 کردید، اما در برزیل این گونه نبوده ابزارهای مالی که با
 قیمت‌های داخلی یا نرخ ارز تعدیل می‌شدند بخش روبه‌افزایشی از کل
 دارائی‌های مالی را تشکیل می‌داد و نسبت حجم پول به تولید ناخالص
 داخلی روبه کاهش بود. اما ترتیبات تعدیل دستمزدها با شاخص
 قیمت‌ها در برزیل و فلسطین اشغالی رسمیت بیشتری داشت‌تسا در
 آرژانتین . وجود نرخ ثابت خزنده ارز^(۱) در هر سه کشور - موجب
 گردید تا نرخ ارز عملاً " با شاخص قیمت‌ها تعدیل شود که تا زمان
 اجرای برنامه تثبیت در برزیل این تعدیل به صورت روزانه صورت
 می‌گرفت. در هر سه کشور تعدیل دستمزدها با سطح قیمت‌ها مورد عمل
 قرار می‌گرفت. این افزایش دستمزدها تابع افزایش قبلی قیمت‌ها
 بود و بنابراین به تداوم تورم گرایش داشت . در نهایت، آرژانتین
 و فلسطین اشغالی هر دو مجبور به ستیز با گروه‌های کارگری بزرگ و
 نسبتاً " متحد شدند. نیروی کار برزیل در زمان اجرای برنامه
 از اتحاد کمتری برخوردار بود.
 تجزیه و تحلیل‌های مطرح شده:

" تورم جبری " (۲) زمینه اصلی برنامه‌های جدید تثبیت
 اقتصادی می‌باشد . جزء جبری تورم ، آن بخشی است که به وسیله
 تورم سابق و به دلیل استفاده از ارتباط دستمزدها با شاخص قیمت‌ها
 در گذشته و ایجاد انتظارات ، بر اساس تجارب گذشته بوجود آمده

(۱): Crawling peg exchange rate

(۲): Inertial inflation

است. اقدامات دولتی نظیر: قطع ارتباط بین دستمزدها و شاخص قیمت‌ها، تثبیت قیمت / دستمزد و اصلاحات پولی می‌تواند بسیاری کاهش " تورم جبری " مورد استفاده قرار گیرد.

اما برای موفق بودن این اقدامات در جهت بدست آوردن ثبات قیمت‌ها، باید تورم کاملاً جبری باشد. کسری بودجه بخش عمومی می‌باید به‌حدکافی کم باشد تا بدون انتشار پول و یا اخذ وام تأمین مالی شود و توازن پرداخت‌های خارجی می‌باید از طریق یک نرخ حقیقی مناسب‌ارز و جریان‌های قابل دوام سرمایه‌ای بدست آید.

برنامه‌های تثبیتی در آرژانتین و برزیل تحت تأثیر تجزیه و تحلیل (۱) Neo-Structuralists از مفهوم " تورم جبری " که از دهه ۱۹۵۰ عمده در آمریکای لاتین شکل گرفته بود قرارداد است. این تجزیه و تحلیل بر برخوردهای زمینه‌ساز تورم به منظور کسب سهم بیشتری از درآمد، در اقتصادهایی که دارای سیستم‌های مالی کاملاً پیشرفته بوده و بخش بزرگی از اقتصاد از قیمت‌های تثبیت شده برخوردار است و تحت سلطه انحصارات شرکت‌های صنعتی، اتحادیه‌های کارگری قوی و مداخلات قابل ملاحظه دولت قرار دارد. تاکید می‌نماید. بنظر می‌آید مکانیزم‌های اصلی که تورم را در این گونه سیستم‌ها دائمی می‌کنند عبارتند از: (۱) - تعدیل دستمزدها، ابزارهای مالی و نرخ ارز با قیمت‌ها و (۲) - قیمت‌گذاری شرکت‌های انحصاری در جهت کسب درصد سود مورد نظر.

یک نظر قدیمی‌تر، " تورم جبری " را ناشی از بدبینی

(۱): این گروه معتقدند که بیکاری و تورم ناشی از ساختار اقتصاد و تغییرات ایجاد شده در آن است.

بخش خصوصی در مورد توانائی دولت در انجام تدابیر مالی لازم برای کاهش کسری بودجه در بلندمدت می‌داند. این نظریه سه سیاستهای تجویز شده مشابهی منجر می‌شود یعنی: نیاز به انجام اصلاحات مالی بنیادی، که با اقداماتی موقت برای جبران اثرات تورم جبری، تا وقتی که اطمینان به اعتبار برنامه اصلاحات بخوبی برقرار شود. حمایت می‌گردد. این برداشت مالی از تورم جبری در میان طراحان برنامه تثبیت اقتصاد در فلسطین اشغالی متداول بوده است.

در هر سه کشور بنظر می‌رسید که برای موثر بودن اقدامات اجرائی، چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی می‌باید آنها به یک توزیع بیطرفانه منافع بین نیروی کار و سرمایه، بدهکاران و اعتباردهندگان و میان گروههای مختلف کارگری دست‌یا‌بندوبندبندبند نتایج مثبت این امر در کوتاهترین زمان ممکن آشکار شود. بنا بر این سیاستهای درآمدی، نقش مهمی را در هر سه برنامه ایفا می‌کردند.

وقتی تورم بالا و مزمن شروع به سرعت گرفتن به سمت تورم بسیار شدید می‌کند، شیوه‌های تدریجی برای تثبیت اقتصاد تقریباً بطور حتم محکوم به شکست می‌باشند و به یک راه‌حل سریع و ناگهانی احتیاج است. ترکیب ابداعی اقدامات اجرائی جهت هماهنگی در اعمال تعیین‌کنندگان دستمزدها و قیمت‌ها و کنترل جزء جبری تورم با تدابیری سنتی‌تر به قصد دستیابی به توازن خارجی و داخلی به شوک غیر معمول " Heterodox Shock " موسوم گشته است.

عوامل اصلی برنامه‌ها :
○○○○○○○○○○○○○○○○○○○○

برنامه تثبیت اقتصادی آرژانتین (که به تقلید از پول جدید این کشور به عنوان طرح آسترال " Austral " معروف شد) در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ اعلام گردید. برنامه اسرائیل غاصب در اول ژوئیه ۱۹۸۵ و برنامه کروزدوی برزیل (که به نام پول جدید این کشور نامگذاری شده) در ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ اعلام گردیدند. تدابیر جدید و ابداعی : اصلاحات پولی ، کنترل قیمتها و دستمزدها و نرخهای ثابت ارز را شامل می گردید. حال آنکه تدابیر سنتی : کاهش ارزش پول و سیاستهای تحدیدی مالی و پولی را دربر می گرفت. تاحدودی قطع ارتباط مابین ابزارهای مالی و قیمتها جزء مهمی درهرسه برنامه بود.

اطلاعات پولی :

oooooooooooooooo

در آرژانتین و برزیل یک پول جدید اعلام شد. قراردادهای غیروابسته به شاخص قیمتها طبق مقیاسهایی که در آنها حذف افزایش یا کاهش ارزش سرمایه ناشی از افت تورم لحاظ شده بود، به پول جدید تبدیل شدند.

کنترل قیمتها :

oooooooooooooooo

بارزترین جنبه درهرسه برنامه استفاده از کنترل دستمزدها و قیمتها بود. قبل از تثبیت قیمتها ، آرژانتین و فلسطین اشغالی تعدیل های مهمی در قیمتها و سوبسیدهای بخش عمومی انجام دادند . در آرژانتین ، در ژوئن ۱۹۸۵ ، تعرفه های واقعی بخش عمومی (نسبت به

میانگین پنج ماه قبل از آن) تا ۲۳ درصد بالا رفت . در فلسطین اشغالی تقریبا " تمامی تعدیل هزینه ها از طریق کاهش سوبسیدهای دولتی انجام گرفت . برزیل در این زمینه یک استثناء بود : قیمت بعضی از فعالیت های کلیدی در بخش عمومی در چنان سطوحی رها شد که توانائی تولیدکنندگان را برای تأمین مالی سرمایه گذاری هایشان به خطر انداخت . قیمت شیر و گندم در سطح موجود تثبیت گردید که خود نیازمند به دادن سوبسید به تولیدکنندگان بخش خصوصی و واردکنندگان بخش عمومی بود . در حالی که در برزیل تثبیت قیمتها برای مدت نامحدودی اعلام شد ، اسرائیل غاصب و آرژانتین اعلام نمودند که کنترلها را بتدریج از میان برخواهند داشت .

دستمزدها :

oooooooooooo

سیاستهای مربوط به دستمزدها در سه کشور مورد نظر بسیار متفاوت بود . دستمزدها در آرژانتین در زمان شروع برنامه تثبیت اقتصادی بطور ماهیانه اصلاح می گردید . بنا بر این این افزایش بطور معقولی میان بخشهای مختلف همزمان بود . درست قبل از شروع برنامه ، دولت آرژانتین ۲۲ درصد افزایش اسمی در دستمزدها اعطاء کرد . پس از آن دستمزدها تثبیت شدند (در اوایل ۱۹۸۶ تثبیت دستمزدها قدری سست شد) . تا زمانی که تورم به میزان ۲/۵ درصد در هر ماه ادامه داشت مستخدمان بخش عمومی و بازنشستگان ضرر می نمودند . بخش خصوصی برای مقابله با تثبیت قیمتها سعی در حفظ دستمزدهای واقعی نمود (برای مثال از طریق وامهای شخصی به

نرخهای ترجیحی). در اواسط سال ۱۹۸۶ بعضی از اتحادیه‌ها، افزایش قابل ملاحظه‌ای در دستمزدهایشان بدست آوردند که عملاً این ترتیبات را به صورت قاعده درآورد.

قراردادهای تغییر دستمزدها در برزیل مشکلاتی را فراهم کرد. یک تثبیت مستقیم موجب تثبیت دستمزد کارگران مختلف، در مراحل متفاوتی از قراردادشان می‌شد و بنابراین نابرابری زیادی را در سیستم باعث می‌شد. بنابراین تمامی دستمزدها برحسب میانگین ارزش واقعی آنها در شش ماه گذشته تعدیل شدند. علاوه بر آن ۸ درصد پاداش (۱۵ درصد برای کسانی که حداقل دستمزد را می‌گرفتند) اعطاء شد. بنابراین برزیل برخلاف اسرائیل غاصب در اوایل برنامه تثبیتی از دستمزدهای واقعی نکاست. دوره اصلاح دستمزدها از شش ماه به دوازده افزایش یافت و تعدیل دستمزدها با شاخص قیمتها، فقط وقتی به صورت کامل انجام می‌گرفت که تورم از ۲۰ درصد تجاوز می‌کرد.

در فلسطین اشغالی قرارداد مربوط به دستمزدها که با جنبش کارگری قدرتمند "Histadrut" (که نماینده ۱۵ درصد از تشکیلات کارگری و مالک ۲۵ درصد صنایع اسرائیل است) مورد مذاکره قرار گرفته بود، بعد از شروع برنامه تثبیت، یک ویژگی غیر معمول با اثراتی مهم در اقتصاد کلان داشت. این تاثیر عبارت بود از: کاهش آشکار و موقتی در دستمزدهای واقعی برای اجتناب از بیکار کردن کارگران به دلیل تنگناهایی که ناشی از مشکلات موقتی نقدینگی شرکتها بود. دستمزدهای واقعی در اسرائیل در نیمه دوم سال ۱۹۸۵، ۱۸ درصد تنزل کرد اما تا مارس ۱۹۸۶ تنها ۳ درصد

از متوسط ارزش آن در نیمه اول سال ۱۹۸۵ کمتر بود.

نرخهای ثابت ارز:

oooooooooooooooooooo

هرسه کشور وضع خود را از تعدیل نرخ ارز برحسب میزان اختلاف تورم داخلی و خارجی ، به یک نرخ ثابت در مقابل دلار تغییر دادند ، اگرچه امکان تعدیل های آتی کا ملا" کنار گذاشته نشده بود. متعاقبا " تنزل ارزش دلار در مقابل دیگر ارزهای عمده و سقوط قیمت نفت و در نتیجه با افزایش قدرت رقابت این کشورها در مقابل وامهای تجاریشان یک موفقیت غیرمنتظره برای آنها فراهم ساخت . در آرژانتین این امر به جبران اثرات عملکرد نامیدکننده تورم بعد از شروع برنامه ، کمک کرد . آرژانتین و فلسطین اشغالی سیاست تثبیت نرخ ارز را تنها بعد از کاهش های قابل ملاحظه و جداگانه در ارزش واقعی پولشان سازمان دادند . چنین تعدیلی برای برزیل ضروری بنظر نمی رسید چرا که در برزیل قابلیت رقابت از زمان کاهش قابل ملاحظه ارزش پول در فوریه ۱۹۸۳ تا حدود زیادی بهبود یافته بود ، و کاهش های مداوم و کوچک بعدی قابلیت رقابت را همچنان حفظ نمود . علاوه براین ، تعدیل نرخ ارز در اواخر ۱۹۸۵ و اوایل ۱۹۸۶ از افزایش قیمت های صنعتی و قیمت صادراتی بسیاری از کالاهای اولیه بیشتر بود .